ارزیابی یک نظام آموزشی

از بیست سال پیش تاکنون، ارزیابی هدفمند نظام‌های آموزشی به‌عنوان روش بسیار مؤثری برای اداره‌ی هرچه بهتر و مؤثرتر آن‌ها محسوب می‌شود، ارزیابی‌ها هم در حوزه‌ی آموزش و هم در حوزه‌ی سیاسی صورت می‌گیرد.

مارتین فورنیه

از بیست سال پیش تاکنون ارزیابی نظام‌های آموزشی با شیوه‌های مختلف و به تعداد دفعات بالا صورت می پذیرد. از دیرباز تاکنون دانش آموزان را به‌واسطه‌ی نمره‌ها، مدرک تحصیلی و یا امتحانات می‌سنجند. امروزه اما وضعیت تحصیلی یک رده‌ی سنی، وضعیت درسی دانش آموزان یک موسسه‌ی آموزشی، تعداد دانش‌آموزانی که موفق به اخذ مدرک می‌شوند و ... نیز اهمیت بالایی پیداکرده است...در کنار ارزشیابی کمی که بر پایه‌ی آمار صورت می‌گیرد، ارزشیابی‌های کیفی نیز روی کار آمده‌اند که حول محور آموزش شهروندی، میزان خشونت در محیط مدرسه، هزینه‌ی آموزش عالی، میزان تأثیر یک متد آموزشی و... انجام می‌شوند.

ارزیابی‌های فعلی (برای مثال در کشورهای اروپایی) در رده‌ی ملی، اروپایی و جهانی صورت می‌گیرد. همچنین روزبه‌روز میزان نظارت بر نظام‌های آموزشی برای بررسی میزان کارآمدی آن‌ها و نیز سطح علمی دانش آموزان، بیشتر می‌شود؛ اما علت تب ارزیابی‌ای که نظام‌های آموزشی را فراگرفته چیست؟ ژکی بیرو در این مورد می‌گوید: «مشاهده، مقایسه و ارزیابی اساس عمل و تفکر در جوامع معاصر هستند.» این امر کاملاً صحیح است. ارزیابی در تمامی بخش‌های جامعه به چشم می‌خورد ادارات، شرکت‌ها، نهادهای دولتی، بخش سلامت، شهر و ...

با طولانی شدن زمان تحصیل و نیز افزایش تعداد دانش آموزان، آموزش نه‌تنها به یکی از سرمایه‌گذاری‌های اصلی هر دولت که بخش‌های محلی و نیز خانواده‌ها تبدیل‌شده است. کلود تلو که برای مدت ۷ سال مدیر بخش ارزیابی و طرح‌ریزی در وزارت آموزش‌وپرورش فرانسه بوده[[1]](#footnote-1)، در این مورد می گوید: «ارزیابی امروزه اصل بسیار مهمی در موفقیت فردی، وحدت اجتماعی و رقابت در عرصه‌ی جهانی به‌حساب می‌آید. در دنیای امروز زمان آن رسیده که نظام‌های آموزشی به کنشگران مختلف عرصه‌ی آموزش حساب پس دهند و دیگر زمان فعالیت‌ها و برنامه‌های غیر شفاف به اتمام رسیده است.»

همان‌طور که لیز دمیلی[[2]](#footnote-2)، جامعه‌شناس، این مسئله را توضیح می‌دهد، از دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، تدابیر مرکز زدایی سبب شده تا مدارس و مراکز آموزشی آزادی عمل زیادی به دست آورند. در فرانسه در زمان وزارت آلن ساوری بود که برنامه‌های جدید مدیریتی تبیین شد. به همین ترتیب روح مدیریتی یک‌بار دیگر در مدارس فرانسه برقرار شد. از سال ۱۹۸۵ میلادی، تمامی مراکز آموزشی موظف شدند که در مورد نتایجی که به دست می‌آورند و امکاناتی که در اختیار دانش آموزان می‌گذاشتند حساب پس دهند. بنابراین از این زمان به بعد مسئله‌ی شفافیت مطرح شد. نظام آموزشی فرانسه و تمامی مدارس زیرمجموعه‌ی آن موظف به ارائه‌ی گزارش عمل دقیقی شدند. از سال ۹۰ میلادی، نهاد ارزیابی جدیدی تحت عنوان مدیریت ارزیابی و چشم‌انداز[[3]](#footnote-3) تأسیس شد.

**ارزیابی‌های مدیریت مرکزی ارزیابی و چشم‌انداز**

هرساله ارزیابی‌های مختلفی در فرانسه صورت می‌گیرد: وضعیت مدرس، جغرافیای مدرسه، نقاط اتکا و منابع آماری و... که اطلاعات جامعی در مورد مخارج تحصیلی، سطح علمی دانش‌آموزانی که از آن خارج می‌شود، نابرابری‌های موجود بین مناطق و ... را فراهم می‌آورد... چند مورد از این ارزیابی‌ها عبارت‌اند از:

* ارزیابی جامع برای سنجش وضعیت دانش آموزان در دروس ریاضی و فرانسه در دوره‌های راهنمایی، ابتدایی و دبیرستان که نتایج آن‌ها نیز در اختیار معلمان قرار می‌گیرد تا بر اساس آن بتوانند برنامه‌های بهتری تنظیم کنند.
* نظارت دائمی بر آموخته‌های دانش آموزان با انتخاب تصادفی دانش آموزان از مدارس مختلف در حوزه‌های رشته‌ای و میان‌رشته‌ای، توانایی‌های منحصربه‌فرد، رفتار در محیط کلاس و مدرسه و ...
* - ارزیابی دقیق هر مدرسه و مرکز آموزشی به‌طور مجزا از سال ۹۴ میلادی به بعد، میزان موفقیت دانش آموزان دبیرستان‌های مختلف در به دست آوردن مدرک دیپلم. فراهم آوردن امکانات برای مدارس تا مسئولان آن‌ها بتوانند خودشان نیز اقدام به ارزیابی وضعیت دانش آموزان و مدرسه‌ی خود بکنند.
* ارائه‌ی نوآوری‌های گوناگون مثل آموزش زبان‌های زنده‌ی دنیا در دوره‌ی ابتدایی، احیای مدارس راهنمایی و دبیرستان.

به گفته‌ی تلو، ارزیابی به جزء لاینفک نظام آموزشی فرانسه تبدیل‌شده است. ارزیابی‌ها از یک‌سو ابزاری آموزشی برای معلمان، دانش آموزان و والدین ایشان محسوب می‌شوند. برای مثال ارزیابی‌های هماهنگ کشوری که از ده سال پیش تاکنون انجام می‌شود به معلمان کمک می‌کند تا وضعیت دانش آموزان خود را بهتر بشناسند، نقاط ضعف ایشان را شناسایی کرده و برای آن راهکارهایی بیندیشند، با خانواده‌ی ایشان ارتباط برقرار کنند، قوای خود را روی حل مشکلاتی متمرکز کنند که در ارزیابی‌ها مشخص‌شده و ... به همین ترتیب، در دهه‌ی ۹۰ میلادی، ارزیابی‌های صورت گرفته نشان داد که دانش آموزان فرانسوی در جغرافیا مشکل‌دارند. انتشار نتایج ارزیابی‌ها باعث شد معلمان شیوه‌های جدیدی را در پیش بگیرند و در طی سال‌های بعد، وضعیت دانش آموزان در این رشته بهتر شد. همین مسئله نیز باعث شده تا لتو ارزیابی را اهرمی برای ارتقای نظام آموزشی در نظر بگیرد.

از طرف دیگر، ارزیابی‌های کشوری نگاه‌ها را متوجه وضعیت مدرسه، هزینه‌ها، عملکرد و بازدهی آن می‌کند. ارزیابی چه برای تبیین سیاست‌های آموزشی و نیز نحوه‌ی بهره بری از ابزار در دست و به‌کارگیری آن‌ها درجایی که بیشترین نیاز وجود دارد، اهرم بسیار مهمی به‌حساب می‌آید. برای مثال از چند سال پیش تا به الآن به بخشی از مدارس فرانسه با توجه به مکان و نیز وضعیتی که دارند بودجه‌ی بیشتری اعطا می‌شود.

همچنین ارزیابی در هر شرایطی سبب شکل‌گیری ایده‌های جدیدی می‌شود که می‌توانند نقش بسیار مؤثری در ارتقای یک نظام آموزشی – حال در هر کشوری از دنیا – ایفا کنند.

1. C. Thélot, P. Joutard, *Réussir l’école*, Seuil, 1999. [↑](#footnote-ref-1)
2. L. Demailly, « Management et évaluation des établissements », dans A. van Zanten, *L’Ecole, l’état des savoirs*, La Découverte, 2000. [↑](#footnote-ref-2)
3. Direction de l’évaluation et de la prospective (DEP) [↑](#footnote-ref-3)